

خطیب باشی روز اول نوروز

۳۰ فروردین ۱۳۹۳ ساعت ۱۹:۲۵

شاه به بالاخانه قمرالسلطان خانم شیرازی که یکی از زن‌های محبوبش بود برآمده مشرف به حوضی کم عرض و پر طول پای بالاخانه پشت میزی قرار می‌گرفت و دو سینی بزرگ طلا پر از مسکوک نقره و کیسه‌های شاهی سپید برابزش می‌نهادند. حوض مزبور یک زرع عمق داشت و کف آن از کاشی‌های الوان مفروش و آبش چنان شفاف بود که کوچکترین چیزی در کفش دیده می‌شد. خدمه اندرون از خرد و کلان اطراف حوض گرد می‌آمدند و شاه مشت مشت پول‌های را میان آنها می‌پاشی

همان دم شیپورچی که در بیرون منتظر ایستاده بود، باد به شیپور می‌کرد و در میدان مشق توپ‌های تحویل به غرش درمی‌آمد. شاه نخست به علما و بعد به سایرین تبریک می‌گفت، آنگاه قرآن مجید را به دست گرفته، تیمنا صفحه‌ای تلاوت می‌کرد. سپس حاج نظام الاسلام که از خاندان محترم و محرر امام جمعه بود برابر شاه زانو زده اندکی از تربت مخصوص در آب ریخته، تقدیم می‌داشت و شاه آن را لاجرعه می‌نوشتید و بعد به دادن کیسه‌های عیدی به علما می‌پرداخت و فرزندان‌شان را نیز بی‌بهره نمی‌گذاشت. چون علما بیرون می‌رفتند، چند دسته موزیک که اطراف حوض برابر موزه ایستاده به احترام آقایان خاموش بودند به نواختن آهنگ‌های دلکش می‌پرداختند.



سپس شاه به بالاخانه قمرالسلطان خانم شیرازی که یکی از زن‌های محبوبش بود برآمده مشرف به حوضی کم عرض و پر طول پای بالاخانه پشت میزی قرار می‌گرفت و دو سینی بزرگ طلا پر از مسکوک نقره و کیسه‌های شاهی سپید برابرش می‌نهادند. حوض مزبور یک زرع عمق داشت و کف آن از کاشی‌های الوان مفروش و آبش چنان شفاف بود که کوچکترین چیزی در کفش دیده می‌شد. خدمه اندرون از خرد و کلان اطراف حوض گرد می‌آمدند و شاه مشت مشت پول‌های را میان آنها می‌پاشید. کنیزکان برای ربودن مسکوک درهم ریخته، ولوله‌ای برپا و فریادها به آسمان برمی‌شد. آنگاه شاه کیسه‌های شاهی سپید را در آب افکنده و به دست و پا زدن می‌آمدند و آب به اطراف ترشح کرده به مقدار زیاد در پاشویه می‌ریخت. کنیزان سیاه چالاک و مهارتی شگفت از خود بروز می‌دادند و هر یک چند کیسه می‌ربودند. گاه کار به زد و خورد و کشمکش می‌کشید. فریاد کیسه‌ربایان با قهقهه بانوان درهم آمیخته در سراسر اندرون طنین‌انداز می‌شد.

آدرس مطلب :

<https://www.cafetari.kh.com/news/۲۲۵۰۹/خبر-اول-روز-باشی-خطیب/>